

دوپرین

ویژه‌ی نوجوانان ■ سال بیست و دوم ■ شماره‌ی ۱۰۸۹ ■ ۸ صفحه ■ ضمیمه‌ی روزنامه‌ی شماره‌ی ۸۸۶۴ ■ چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲ ■ ۶ صفر ۱۴۴۵ ■ ۲۳ آگوست ۲۰۲۳



آمپر زمین بالا رفته

زمین داغ کرده!

تابستان خود را چگونه گذرانید؟

محدث تک فلاح

دبیر دو چرخه

برای منی که همیشه منتظر تابستان بودم و هر لحظه از سال تحصیلی را برای رسیدن فصل تعطیلی و خلاص شدن از کلاس های درس و مدرسه می شمردم، این وضع نگران کننده است. تصورش هم سخت است. امروز دقیقا ۲ ماه از تابستان را هم پشت سر گذاشتیم و من هنوز دنبال آن عصر تابستانی ام که راحت بخوابم و آبمیوه ام را کنار استخر یادریا بنوشم و از تعطیلات لذت ببرم.

حالا مانده ام که اگر بعد از رفتن به مدرسه معلم انشا از من «تابستان خود را چگونه گذرانید؟» بخواهد، با چه رویی برگه سفید را تحویلش دهم. شاید بتوانم از گرمی آغوش پتو در تمام لحظات صبح و شب و تمام شدن حجم بسته اینترنت خانه هم بنویسم، اما قطعاً روی صحبت کردن از بیکاری و کلش و پی اس و... را ندارم. اغلب معلم ها این فعالیت ها را بیبوهه می دانند و برای همه نوجوانان آرزوی رهایی از بند بازی های رایانه ای را دارند.

البته نکته مهمی که فراموش کردم هم این است که بازی هایی که در ایام دهه محرم و صفر امتحان کردم هم ایرانی بود و هم محرمی! تجربه بدی نبود اما الحاق و الانصاف که باید به فکر طراحی یک بازی باشم. امتحان کردن این بازی ها ضرری نداشت که هیچ، جرقه کلی طرح را هم به ذهنم زد.

خانم گوردزی، معلم رایانه مان می گفت که خیلی ها در سن نوجوانی حس و حال طراحی بازی های رایانه ای و کار جدی با رایانه و سامانه های برنامه نویسی را دارند، اما اگر جدی نگیرند و رهاش کنند، کار در بزرگسالی سخت می شود. چون لازمه اصلی این کار «خلاقیت» است که فوراً در دوره نوجوانی است. بماند که به اعتقاد من اغلب آدم های خلاق، دوره نوجوانی شان را با تفریحات و سرگرمی پر کرده اند و به وقتش سراغ اهداف بلندمدت شان رفته اند.

این روزها که نتایج کنکور آمده هم که باید در برابر همه رفقای دوازدهمی پارسال تمام قد به احترام بایستیم و از چهره شان تشخیص دهیم که رتبه خوبی کسب کرده اند یا نه. سازمان سنجش و اعلام نتایجش هم که ما را گیر آورده. قشنگ «موش آزمایشگاهی» فرض شده ایم. تاثیر سوابق تحصیلی در نتیجه نهایی چنان بالا و پایین خودش را نشان می دهد که هیچ آنفزی را با درصدهای کنکور کارنامه ای یکسان نمی بینی که تراز یکی داشته باشند. خودشان می گویند تاثیر سوابق تحصیلی است، من که نمی دانم ولی خدا کند همه این هرج و مرج ها برای امسال باشد و سال بعد ماجرا تمام شود و تکلیف ما مشخص تر باشد.

ولی بماند بین خودمان؛ برای هر کدام از حرف های بالا کلی انرژی سوزاندم که زمان بگذرد و بازی استقلال و سپاهان شروع شود که شاید انگیزه و هیجان من برای دیدن ذوب آهن و پرسپولیس هم بالا رود. بریم ببینیم این تیم های تازه نفس، هفته سوم لیگ را چگونه رقم می زنند؟

فرض کنید شما عاشق فوتبال هستید، اما از قوانینش سردر نمی آوريد. آیا از شرکت در این بازی پرهیجان و گروهی لذت خواهید برد؟ احتمالاً جوابتان منفی است؛ حق هم دارید. وسط بازی، یکهو توپ به دست شما می خورد و شما هم چون از قانون هتد، خبر ندارید، با ذوق، به بازی ادامه می دهید؛ اما داور، سوت می زند و خطای شما را اعلام می کند. حتی اگر زمین بازی، مدرن ترین زمین فوتبال جهان باشد و شما، هم بازی مسی و رونالدو باشید، باز هم به خاطر بی اطلاعی از قوانین بازی،

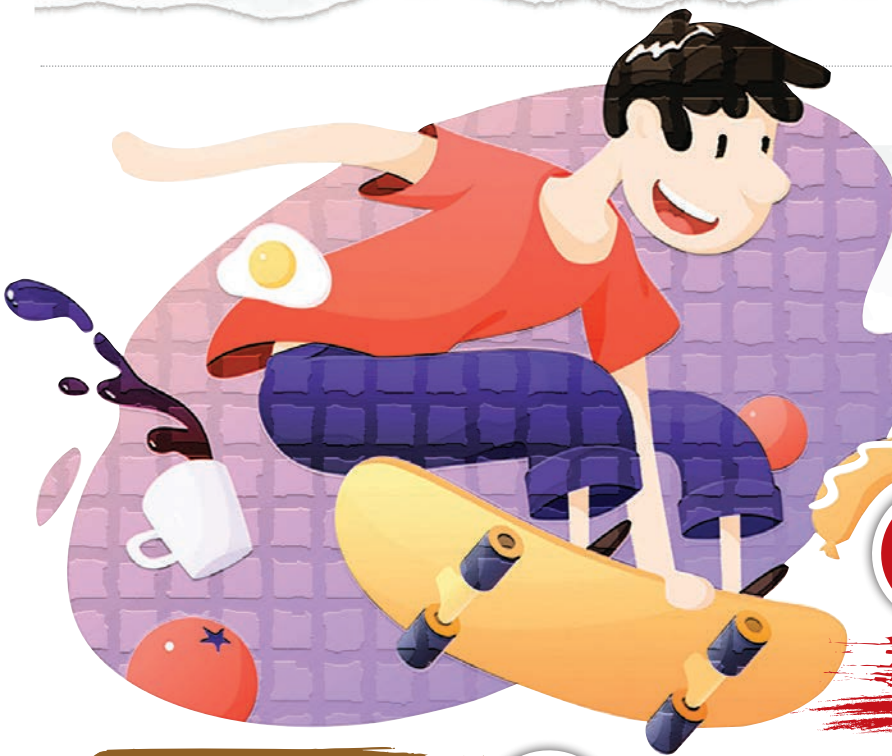
دل سرد و افسرده می شوید و احتمالاً خودتان زمین بازی را ترک می کنید. بازی زندگی هم از این قاعده مستثنا نیست؛ یعنی اگر در زمین زندگی، قوانین بازی را بلد نباشید، احتمالاً بی انگیزه و ناامید به این بازی ادامه خواهید داد و اگر از قوانین زندگی آگاه باشید، شاد و پرامید، زندگی خواهید کرد.

در این شماره از هفته نامه دو چرخه، چند قانون مهم زندگی را با هم مرور می کنیم تا با رعایت آن، از زندگی شاد و باکیفیتی بهره مند شویم.

برای تجربه ی یک زندگی شاد و باکیفیت باید چه قوانینی را بدانیم

بازی شاد زندگی!

سیدسروش طباطبایی پور / روزنامه نگار



توسلول تجربه ی زندگی خودت هستی!

شاید با این جمله موافق نباشید و بگویید خیلی از اتفاق ها، بدون هماهنگی با ما رخ می دهند و ما در ایجاد آن ها نقشی نداریم. مثلاً بگویید «همین هفته ی پیش، راننده ی سرویس مدرسه، با سرعت غیر مجاز حرکت می کرد و چنان ترمزی گرفت که هنوز گردنم از این بابت، درد می کند» و ادامه دهید «من در این اتفاق زندگی، هیچ نقشی نداشتیم.» قبول؛ اما اگر دقت کنید در قانون اول زندگی، از کلمه ی «تجربه ی زندگی» استفاده شده که با عبارت «اتفاق زندگی» که شما استفاده کردید، متفاوت است.

ماجرای ترمز ناهینگام راننده ی سرویس، در زندگی شما رخ داده که یک اتفاق است؛ اما قانون زندگی به تجربه اشاره کرده؛ و تجربه هم یعنی «واکنش شما به اتفاق زندگی!» البته که اتفاق ها دست ما نیست، اما واکنش ها که دست ماست! مثلاً در قصه ی ترمز سرویس مدرسه، واکنش شما می تواند این گونه باشد: الف) عصبانی شوم ب) عصبانی شوم و سر راننده ی سرویس داد بکشم ج) ابتدا نگران راننده و بقیه ی بچه ها شوم د) ...

و ما همواره بر چگونه تجربه کردن زندگی خودمان کنترل داریم؛ پس باید مسئولیت آن را هم بپذیریم و آن را گردن این و آن نیندازیم.

نمی خواهیم به جای نمی توانم!

«من می دونم... امسال هم نمی توانم تو درس ها موفق بشم... نمی توانم از پس ریاضی بر بیام و...» این عبارت ها احتمالاً برایتان آشناست؛ عبارتهایی که زمزمه های آن از همین روزها آغاز می شود و نزدیک امتحان های نیمسال اول و دوم، به اوج می رسد. اما دقت کن؛ «نتوانستن»، به معنای غیر ممکن بودن است و کاربرد آن در مواردی مثل «پرواز کردن»، «از دیوار راست بالا رفتن»، «زندگی بدون آب و غذا» و... درست است. چون امکان ندارد ما بدون هیچ ابزاری، پرواز کنیم یا از دیوار بالا برویم. در عبارتهایی منفی که مثل رادیو، گاهی در ذهنمان روشن می شوند، به جای کلمه ی نمی توانم، بهتر است از نمی خواهیم استفاده کنیم. با خودمان، روراست باشیم، مسئولیت انتخابمان را بپذیریم و بگوییم: «امسال هم نمی خوام در درس ها موفق بشم... نمی خوام از پس ریاضی بر بیام و...»

این تغییر، حس خوبی به تو خواهد داد؛ چون از کلمه ی نمی توانم، حس ناتوانی به تو دست می دهد؛ اما وقتی از کلمه ی نمی خواهیم استفاده می کنی، احساس می کنی زندگی تحت کنترل تو است و هر وقت اراده کنی، می توانی به خواسته هایت برسی.

از معجزه خبری نیست!

تابه حال شده دوستانت به تو زنگ بزنند و تو را به باغ کتاب، رستوران یا شهر بازی دعوت کنند و تو بگویی: «نه؛ حالش رو ندارم!» یا کلی تکلیف داشته باشی یا از مونی، انتظار تو را بکشند و تو حالش را نداشته باشی سراغ درس و مشقت بروی؟

اما گاهی هم شده حال انجام کاری را نداشته باشی؛ اما یکپو، بعد از چند دقیقه یا چند ساعت، انگیزه پیدا کنی تا سر قرار با دوستانت بروی یا پای درس و مشقت بنشینی؟ خبر بد این که تو از زمانی که حال انجام کاری را نداشته باشی، تا زمانی که برای انجام آن کار، انگیزه پیدا می کنی، تنها منتظر معجزه هستی!

چرا معجزه؟ چون دلست می خواهد دست روی دست بگذاری، گوشه ای بنشینی تا ناگهان شرایطی پیش بیاید و کسی موتور تو را روشن کند و حال انجام کارها را پیدا کنی. در واقع تو «انگیزه» ی رفتن به سر قرار با دوستانت را داری، اما نمی توانی به آن «عمل» کنی! قانون سوم، اولویت را به عمل می دهد، نه انگیزه. یعنی اگر تو هزار هزار انگیزه داشته باشی اما عمل نکنی، سر قرار نمی رسی! نکته ی مهم تر این است که اگر تو برای انجام کاری، انگیزه نداشته باشی، اما عمل کنی، به هدف خواهی رسید. انرژی و انگیزه، با عمل تو بسالا می رود و زندگی را برای تو لذت بخش می کند.

اطلاعیه

خبرنگار افتخاری!



فرم خبرنگار افتخاری
دو چرخه در سال ۱۴۰۲

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

روز ماه سال

محل زندگی

(لطفاً اطلاعات خود را دقیق و خوش خط بنویسید.)

استان:

شهر:

روستا:

نشانی پستی (کامل و دقیق):

کد پستی (۱۰ رقمی):

تلفن منزل:

کد شهر یا روستا:

تلفن همراه:

ایمیل:

فرم، مدارک و آثارتان را چگونه
به دست ما برسانید؟

تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به پارک وی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه‌ی همشهری، طبقه ششم، دفتر دو چرخه صندوق پستی دو چرخه: ۵۴۴۶-۱۹۳۹۵
پست الکترونیکی: docharkkeh1402@gmail.com
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۴۷

نیمکت آخر

امسال در کلاس نهم، سر قفلی نیمکت آخر را به همراه تعدادی از بچه‌های سرحال کلاس خریدم. هوای خوب، ویوای سوزناک برقراراً حالاً گاهی هم هدف موشک‌های نقطه‌زن معلم قرار می‌گیریم که حق مان است. البته که خربزه خوردن را عشق است، اما باید پای لرزش هم بنشینیم این‌ها، خط‌خطی‌های شبانه‌ی یک نیمکت آخری است از خاطرات روزانه‌اش!



صادق انسانی

به بهانه‌ی روز پزشک

فرستاده‌ی
متواضع خندان!

عشقم...

خوش اومدی!

هفته‌ی قبل، مریم، دختر خواهر ۳ ساله‌ام را زدم زیر بغل و بردمش میوه‌فروشی سر کوچه. وسط خرید، مرغ مینایی که در قفسش کنار دخل، بازنجیری بلند به سقف آویزان بود، توجه‌مان را جلب کرد: «عشقم... خوش اومدی... عشقم... خوش اومدی...» مریم را بردم کنار قفس مرغ مینا. همان‌طور که توی بغلم بود، دو، سه بار به مرغ مینا گفت: «عشقم... خوش اومدی...» و انگشتش را بر د لای میله‌های قفس مرغ مینا نامرد هم به چپ و راست نگاه می‌کرد و نوکش را راه کرد وسط بند اول انگشت اشاره‌ی دست راست مریم و تق‌ا! مریم به چپ و راست نگاه می‌کرد و میوه‌فروشی را گذاشت روی سرش. هر کاری هم کردم، گریه‌اش بند نیامد که نیامد. خاطره‌ی بدی بود: آن قدر که از لجم، میوه‌فروشی سر کوچه را تحریم کردم. امروز دم غروب، دوباره مریم و خواهرم، آمدند خانه‌ی ما. در نهایت تعجب، مریم پرید بغلم و گفت: «دایی... منو می‌بری پیش مرغ مینا!» با اکراه به بهانه‌ی خرید سیب و آلبالو، رفتیم سراغ مغازه‌ی آقاسعید. سعیدخان، همین که از دور، من و مریم را دید، دوید طرف ما. کمی که نزدیک شد، گفت: «آقاصادق... کجایی بابا؟ به هفته‌س منتظر تونم. مرغ مینا رفته تو لک و از تو لونه‌ی چوبیش توقفس بیرون نیومده. چرا سر نزدیکین؟...» وارد مغازه شدیم و با احتیاط، نزدیک قفس مرغ مینا. از مرغ مینا خبری نبود. انگار توی لانه‌ی چوبی‌اش، ناپدید شده بود. آقاسعید گفت: «تو این یه هفته، لب به آب و غذا هم نزده، ولی انگار زنده‌س هنوز...» دلم برای مرغ مینا سوخت. مریم لبخندی زد و همان‌طور که توی بغلم بود، با صدای بلند سه بار گفت: «عشقم... خوش اومدی...» برای لحظاتی همه سکوت کردیم؛ حتی مریم. از توی قفس، صدای تکان تکان‌های آرامی به گوش رسید و یکهو صدای بلندی گوش‌مان را نواخت: «عشقم... خوش اومدی... عشقم... خوش اومدی...» نیش آقاسعید تا بناگوش باز شد.

گرماء، مرا خیس خیس می‌کند!

امروز ظهر، موقع برگشت از آخرین جلسه‌ی کلاس‌های تابستانی، توی سرویس مدرسه لم داده بودم و به اتفاق‌های ریز و درشت مدرسه فکر می‌کردم. چراغ قرمز چهارراه، عدد ۱۰ را نشان می‌داد و حالا حالا سبز بشو هم نبود. گرم‌ماز در و دیوار می‌بارید و انگار کولر ماشین آقابران، راننده‌ی سرویس هم در برابر گرمای آخر مرداد کم آورده بود. شاید فلسفه‌ی تعطیلی تابستان در مدارس قدیم، در امان نگه داشتن بچه‌ها از همین گرمای طاقت‌فرسا بود که حالا نمی‌دانم چه چیزی تغییر کرده که تابستان‌ها هم ما را به مدرسه می‌کشاند. در همین فکر و خیالات بودم که پسری هم‌سن خودم، گل به دست، تق تق، به شیشه‌ی بسته‌ی سرویس زد. لب خوانی کردم: «آقا پسر... برا خواهرت گل نمی‌خری؟»



عرق روی پیشانی‌اش، صورت آفتاب سوخته‌اش، لباس‌های مندرسش و اینکه از کجا فهمیده بود من خواهر دارم، توجه مرا به خودش جلب کرد. برخلاف همیشه هوس کردم گل بخرم، البته نه به خاطر خواهرم که به خاطر پسرک. انگار او هم فهمیده بود؛ چون خنده‌ی معناداری روی لبانش دوید. دو تا هزار تومانی، یک جای کیفم مخفی کرده بودم؛ اما خودم هم پیدایشان نمی‌کردم. با حرکت دستم به سمت چپ کیف، چشمان پسرک هم به چپ می‌پیچید و با حرکت راست، به راست. اما خبری از دهی‌ها نبود که نبود. انگار عدد کنار چراغ راهنما، یکهو دوید. چراغ سبز شد و ماشین‌ها رفتند. گفتیم: «آقابران... می‌شه وایسی...» اما بوق ممتد ماشین پشت سر، امان همه را برید. پسرک بدوبند، دنبال ماشین آقابران می‌دوید و همین‌طور راننده‌ی پشت سری، برای آقابران و پسرک گل فروش و من و این دنیای پر از بی‌رحمی، هی بوق می‌زد. نمی‌دانم از دور، روی گونه‌های پسرک، عرق بود که برق می‌زد یا اشک!

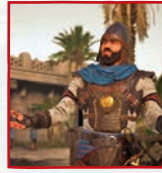
اثرات مخرب بازی‌های رایانه‌ای بر روان نوجوانان

وقتی غرق بازی رایانه‌ای می‌شوند، آن قدر محو شخصیت‌های بازی می‌شوند که خود را در قالب آن‌ها می‌بینند. کافی است صدایشان کنی، تر جیح می‌دهند جواب ندهند و به بازی خود ادامه دهند. دوست ندارند از فضایی که در آن حضور دارند بیرون کشیده شوند. بازی‌های رایانه‌ای شاید اوقات فراغت بچه‌ها را پر کند، اما می‌توان گفت سرگرمی مناسبی برای آن‌ها نخواهد بود؛ چرا که اثرات بدی مثل گوشه‌گیری، کاهش اعتماد به نفس و پر خاشگیری را به دنبال دارد. «علی صفاریان» روان‌شناس کودک و نوجوان در این باره نکته‌های مهمی را به نوجوانان می‌گوید: «شما نوجوان عزیز باید توجه داشته باشید بازی‌های فکری یا گروهی، در رشد و خلاقیت شما تأثیر زیادی دارند؛ اما زمانی که وقت خود را در فضای مجازی سپری می‌کنید، نباید انتظار خلاقیت از خودتان داشته باشید. اثرات منفی بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی به مراتب بیشتر از تأثیر مثبت آن‌هاست؛ چرا که شما را وابسته می‌کند و کم‌کم کار به جایی می‌رسد که بازی، جای همه چیز را برای شما پر می‌کند. همین باعث می‌شود کم‌خواب شوید. کم‌خوابی مداوم ضررهای زیادی به بدن شما می‌رساند. هم رشد جسمی‌تان کم می‌شود و هم قدرت تمرکزتان کاهش پیدا می‌کند. بعضی از بازی‌ها نیز خشونت‌آمیز هستند و ناخواسته شما هم خشونت را یاد می‌گیرید. باید بدانید استرس بیش از حد، آسیبی جدی به سلامت جسمی شما می‌زند.

بازی‌های پرتنش ممنوع

موضوع دیگری که باید دقت داشته باشید، این است که اگر سرگرم بازی‌های هیجانی و پرتنش شوید، ذهنتان درگیر شده و سعی می‌کنید برنده شده و به مرحله‌ی بعدی بروید؛ اما معمولاً این اتفاق نمی‌افتد و شما شکست می‌خورید. باخت‌های بی‌درپی، شما را عصبی کرده و به مرور زمان شمارا افسرده می‌کند. مهم‌تر این که چون برای بازی کردن خلاقیتی به کار نمی‌برید، به مرور زمان اعتماد به نفستان کم می‌شود. بعد از مدتی با مشکل جدی‌تری مواجه می‌شوید و آن صدمات مغزی است. این بازی‌ها روی قسمت‌هایی از مغز تأثیر می‌گذارد که به بینایی و حرکت اختصاص دارد. برای همین نقشی در تکامل نواحی دیگر مغز ندارند. بچه‌هایی که ساعت‌های زیادی پای رایانه می‌نشینند یا با گوشی بازی می‌کنند، رفتارهای خشونت‌آمیز بیش‌تری انجام می‌دهند و کمتر روی رفتارشان کنترل دارند.

سفیر عشق



بازی «سفیر عشق» یک بازی اکشن شمشیری است که داستان زندگی مهران، یکی از وفادارترین یاران امام حسن (ع) را روایت می‌کند. بعد از صلح امام حسن (ع) با معاویه، مهران دل شکسته از خیانت بعضی یاران امام حسن (ع) به ری، شهرآب و اجدادی خود برمی‌گردد. مادر آن جاتفاق‌هایی برای او رخ می‌دهد که باعث می‌شود او از ایران به کوفه هجرت کند. در بازی سفیر عشق، مخاطب همراه با مهران، حوادث تلخ و شیرینی را تجربه می‌کند.

فصل قیام



ماجرای مختار نقی از زندان ابن زیاد تا سفر به مکه را روایت می‌کند. «فصل قیام» یکی از جدی‌ترین بازی‌های مذهبی، تاریخی کشورمان است که داستان آن با مشورت و نظر کارشناسان مذهبی طراحی شده است. بازیکن فصل قیام، مبارزه را از سال ۶۱ هجری شروع می‌کند. او وقایع تاریخی را از ترتباط با مختار و مهران تادشمنی بنی امیه و آل زبیر دنبال می‌کند. بازیکن در این بازی از سلاح‌های متنوعی مثل شمشیر، خنجر، سپر و کمان استفاده می‌کند هم چنین تکنیک‌های رزم مثل اسب سواری و حل معما را انجام می‌دهد تا دشمن را شکست دهد.

نگاه کارشناسی «مریم داور دان» دبیر بخش بازی‌های رایانه‌ای کدومو درباره‌ی نکات مثبت بازی‌های ایرانی

جستجوی در بازی‌های

مژگان مهربابی
روزنامه‌نگار

سال‌ها پیش البته نه گذشته خیلی دور، تا همین دو، سه دهه پیش بچه‌ها فراغت خود را با بازی در کوچه و خیابان یا وقت‌گذرانی با همسالانشان سپری می‌کردند؛ از فوتبال و قایم‌باشک تا گرگم به هوا و دوچرخه‌سواری. خوش بودند و سر نشاط؛ نه مشکل اضافه وزن داشتند و نه افسردگی. باروی کار آمدن بازی‌های رایانه‌ای آن هم از نوع غیر وطنی، روز به روز از میزان علاقه‌شان به بازی در بیرون از خانه کاسته شد و در عوض زمان بیش‌تری به نشستن پای رایانه و گوشی اختصاص داده شد. حالا کار به جایی رسیده که بازی‌های رایانه‌ای جزو لاینفک زندگی نوجوانان شده است. هر پسر یا دختری را می‌بینی خود را با گوشی تلفن همراه سرگرم کرده و علاوه بر گشت‌زدن در فضای مجازی، فراغت خود را با انجام بازی‌های رایانه‌ای پر می‌کند؛ انواع بازی‌های اکشن و هیجانی که انجامش آن‌ها را به وجد می‌آورد؛ بی‌آنکه بدانند چه صدمه‌ای به جسم و روان آن‌ها می‌زند. «مریم داور دان» دبیر بخش بازی‌های رایانه‌ای کدومو (سرویس ارائه دهنده محتوای چند رسانه‌ای مثل انیمیشن، فیلم، بازی و... برای کودکان و خانواده) نکات ارزنده‌ای در این باره می‌گوید.

آیا برای ترویج فرهنگ دینی و معرفی سیره‌ی اهل بیت (ع) هم بازی رایانه‌ای تولید شده است؟ پلتفرمی که مربوط به ماه محرم باشد؟

بله، چند بازی به اسم سفیر عشق، قیام مختار، پیربابا، کودکان اربعین، بهشت کوچک من و حضرت رقیه (س) طراحی و تولید شده است. سفیر عشق درباره‌ی مهران، یکی از یاران باوفای امام حسن مجتبی (ع) است. قیام مختار هم از نامش پیداست که درباره‌ی مبارزات مختار به قصد خونخواهی امام حسین (ع) است. اما بازی پیربابا، بازی‌ای است که در کنار سرگرم کردن نوجوان، آداب مکتب‌داری را آموزش می‌دهد. علاوه بر آن بچه‌ها با غذاهای نذری شهرهای مختلف آشنا می‌شوند. حسن دیگر این بازی، تکه کلامی است که بین افراد

بازیکن هنگام بازی، ترس و امید را تجربه می‌کند و با شهید لشکری همراه می‌شود.

بین بازی‌های رایانه‌ای ایرانی، نوجوانان بیش‌تر به جنبه‌ی مفهومی آن توجه می‌کنند یا گرافیک و کیفیت بازی؟

بچه‌ها به گرافیک و کیفیت بازی خیلی اهمیت می‌دهند. اگر بخواهم منصفانه بگویم بازی‌های ایرانی در مقابل بازی‌های رایانه‌ای خارجی، گرافیک کم‌کیفیت‌تری دارد. اما به نظر من اگر بازی از جذابیت کافی برخوردار باشد، کیفیت آن خیلی به چشم نمی‌آید. به‌طور مثال بازی رایانه‌ای «شریف بابا»، درباره‌ی پیرمردی است که می‌خواهد در مزرعه‌اش محصول بکارد. بچه‌ها باید به او کمک کنند تا بهترین محصول کشت شود. یا بازی «جالب شو» که با وجود گرافیک ساده تا به حال ۶۰۰ هزار بار دانلود شده است.

بچه‌ها به خصوص نوجوانان علاقه زیادی به بازی‌های رایانه‌ای دارند؛ اغلب بازی‌های خارجی هم خوش و آکشن است. سرگرم شدن با آن‌ها در مدت طولانی می‌تواند صدمه‌های جبران‌ناپذیری به سلامت جسم و روان نوجوانان بزند. برای جلوگیری از ترویج فرهنگ غربی آیا کارشناسان وطنی اقدامی برای ساخت بازی‌های رایانه‌ای ایرانی انجام داده‌اند؟

بله! بازی‌های رایانه‌ای ایرانی زیادی تولید شده که جای بسی خوشحالی است. بازی‌های ایرانی علاوه بر سرگرم کردن، اطلاعات تاریخی پریمیاری در اختیار نوجوانان می‌گذارد. در واقع پسر یا دختر نوجوان ما بعد از گذراندن مراحل بازی، با اتفاقات جالبی روبه‌رو خواهد شد. به‌طور مثال بازی «۶هزار و ۴۱۰ روز بدون آینه» مربوط به دوران اسارت شهید حسین لشکری است.

گفت‌وگو

خوب و بد بودن بازی‌های رایانه‌ای زیر ذره‌بین یک نوجوان دهه هشتادی

بازی‌های ایرانی مناسب کودکان است

درباره‌ی بازی‌های رایانه‌ای و اثرات منفی آن، با روان‌شناس و کارشناس بازی‌های رایانه‌ای صحبت کردیم. هر کدام به نکات ارزنده‌ای اشاره کردند و روی سخنشان با نوجوانانی بود که بیش از اندازه خود را با بازی‌های رایانه‌ای سرگرم می‌کنند. اغلب بچه‌ها درباره‌ی اثر منفی استفاده‌ی بیش از حد از گوشی تلفن همراه و رایانه، حرف‌های زیادی شنیده‌اند و خوب می‌دانند این کار، سلامت روانشان را به خطر می‌اندازد. با این حال روز به روز بیش تر به بازی‌های رایانه‌ای وابسته می‌شوند. در این باره با «مهدی انشکانی»، دانش‌آموز پایه‌ی نهم گفت‌وگو می‌کنیم.

یکی از راه‌هایی که نوجوانان برای پرکردن اوقات فراغت خود انتخاب می‌کنند، بازی‌های رایانه‌ای است. شما هم از این دسته نوجوانان هستید؟

بازی رایانه‌ای را همه‌ی نوجوانان دوست دارند، چون هیجان و جذابیت دارد. پسرها معمولاً بازی‌های اکشن دوست دارند. ولی من و برادرم بیش تر فوتبال بازی می‌کنیم. البته در طول سال تحصیلی، سرگرم درس خواندن هستیم و وقتی برای بازی کردن نداریم؛ اما خیلی از دوستانم روزی چند ساعت بازی رایانه‌ای می‌کنند.

چرا نوجوانان به بازی‌های رایانه‌ای علاقه‌مند هستند؟ در صورتی که بازی‌های زیادی می‌توانند انجام دهند که باعث شادابی‌شان می‌شود؟

خود من دوست دارم عصرها با هم‌سالانم برای فوتبال یا بازی‌های گروهی، بیرون از خانه بروم. اما سروصدای بچه‌ها باعث ناراحتی همسایه‌ها می‌شود. برای همین مجبورم در ایام تابستان و قتم رادر خانه و پای رایانه بگذرانم.

اکثر بازی‌های غیرایرانی، اکشن و هیجانی است. استفاده از آن‌ها تأثیر منفی در روحیه‌ی نوجوانان می‌گذارد. برای همین کارشناسان بازی‌های رایانه‌ای کشورمان، بازی‌های جالبی را ساخته‌اند که مناسب با فرهنگ ایرانی است. درباره‌ی این بازی‌ها چه نظری دارید؟

تعداد بازی‌های ایرانی زیاد نیست. کیفیت‌شان هم نسبت به بازی‌های خارجی کمتر است؛ اما من بازی رایانه‌ای فصل قیام را انجام دادم. بد نبود. ایرادش این بود که مراحلش زود تمام می‌شد. نکته‌ی دیگر این که بازی‌های رایانه‌ای ایرانی بیشتر مناسب سن کودکان است. باید برای نوجوانان، برنامه‌ریزی بهتری صورت بگیرد.



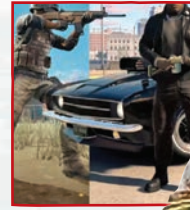
طراح گرافیک: سعید مغزوری

ارتش‌های فرازمینی



بازی رایانه‌ای «ارتش‌های فرازمینی»، یک بازی مهیج و اکشن برای نوجوانان است که داستان تخیلی دارد و اتفاقات آخرازمینی را به تصویر می‌کشد. بازی روایتگر جنگ‌های بشریت بر سر انزری است. در خلاصه‌ی رسمی این بازی رایانه‌ای ایرانی آمده است: «آن هنگام که زمین ویران شده از جنگ، به ناچار به فراموشی سپرده می‌شود تا سیطره‌ی حیات به مرزهایی فراتر گسترش یافته و منابع انزری جدید، تقدیری دیگر را رقم زند.»

اشتیاق نوجوانان به بازی‌های اکشن



بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در گزارشی، شاخص‌ترین اطلاعات مصرف بازی رایانه‌ای را تحلیل و منتشر کرده است. براساس اطلاعات این گزارش، ۳۴ میلیون گیمر در ایران فعال هستند که ۵۸ درصد آن‌ها به شکل آنلاین بازی می‌کنند. طبق بررسی‌های صورت گرفته، نوجوانان بین ۱۳ تا ۱۷ سال بیش تر تمایل به سبک بازی‌های رایانه‌ای بتل رویال، ورزشی و اکشن دارند.

از افراد ۸ تا ۱۸ سال، حداقل یک دستگیره بازی رایانه‌ای در خانه دارند.

۸۳ درصد

۳ بازی یا بیش تر، رادر اتاق خواب خود دارند.

۳۱ درصد

از نوجوانان به طور مداوم از بازی‌های رایانه‌ای استفاده می‌کنند.

۹۷ درصد

بازی‌های تاریخی رایانه‌ای

چرا بچه‌ها علاقه زیادی به بازی رایانه‌ای دارند؟ آیا ساخت فیلم یا نوشتن کتاب نمی‌تواند فراغت آن‌ها را پر کند؟

کتاب و فیلم ساختار خودشان را دارند. نوجوان، کتاب می‌خواند و فیلم می‌بیند؛ اما نمی‌تواند خود را به جای قهرمان فیلم یا کتاب بگذارد. اما در بازی، این اتفاق می‌افتد. نوجوان در نقش قهرمان، مبارزه کرده و مراحل را یکی یکی پشت سر می‌گذارد. در مورد بازی‌های ایرانی موضوع جالبی که پیش آمده این است که چون بچه‌ها فیلم مختار نامه را تماشا کرده بودند، خیلی خوب بازی را انجام دادند.

چرا بچه‌ها ترجیح می‌دهند بازی خارجی کنند؟

در مورد بازی خارجی عواملی هست که دست به دست هم می‌دهند تا نوجوانان را جذب کنند. بچه‌ها رقابت

رد و بدل می‌شود. بازی دیگری که با محوریت ماه محرم طراحی شده، بازی «کودکان اربعین» است. در این بازی بچه‌ها آداب سفر به کربلا را یاد می‌گیرند. بازی «بهشت کوچک من» درباره‌ی آراسته کردن حسینیه‌هاست. بازیکن به سلیقه خود حسینیه را سیاهپوش می‌کند.

برای طراحی بازی‌های رایانه‌ای مذهبی آیا از کارشناسان مذهبی کمک گرفته می‌شود؟

طراحی بازی، کار انفرادی نیست و یک گروه، برای درست کردن آن زحمت می‌کشند. این کار نیاز به حمایت نهاد‌های فرهنگی دارد. نوجوان ما نیاز به خوراک فرهنگی دارد و باید آن را برای این رده‌ی سنی فراهم کرد. البته ساخت بازی چون اعتبار زیادی می‌خواهد. باید نهاد‌های فرهنگی و دولتی پای کار بیایند. به‌طور مثال برای ساخت یک بازی رایانه‌ای هزینه‌ای بالغ بر دو میلیارد تومان نیاز است.

گواردیولا
نقشه کشید

لیگ برتر فوتبال ایران از سینما جذاب تر است؛ هنوز شروع نشده، کلی سسوزه خنده و گریه و وحشت داده دست مردم.

✓ سکوها و ورزشگاه آزادی درست یک روز قبل از آغاز مسابقات شخم زده شد. هنوز مشخص نیست قرار است گندم بکارند روی سکوها یا خیار.

✓ بیرانوند پس از انتقاد از آماده نبودن ورزشگاه آزادی به کمیته انضباطی احضار شد. ورزشگاه آزادی از دروازه بان پرسپولیس و تیم ملی شکایت کرده و گفته من خیلی هم آماده ام؛ اصلاً خودت آماده نیستی؛ نزدیک بود گل هم بخوری.

✓ چمن ورزشگاه نقش جهان اصفهان هم دست کمی از سکوها و ورزشگاه آزادی نداشت. به اصطلاح فوتبالیست ها، پای بز توی این زمین پیچ می خورد. در فصل چندماهه تعطیلی بین لیگ ها همه ورزشگاه ها در حال بخور و بخواب و استراحت بودند و لای درس و کتاب را باز نکرده بودند. تالیگ شروع شد، آن ها بیدار شدند و گفتند «ای بابا! دوباره کی حال داره بره مدرسه؟» ✓ گزار شگر بازی سپاهان - تراکتور بین دو نیمه تعویض شد. تعویض این گزار شگر ربطی به مسائل فنی نداشت؛ فقط بدنش خالی کرده بود. چون تازه فصل بدنسازی تمام شده، این چیزها طبیعی است و پیش می آید.

✓ استقلال بازیکنی عراقی خرید به نام منتظر محمد. حالا به این بازیکن گفته شده که به دلیل سقف پرداخت ها نمی توانند قراردادش را ثبت کنند. منتظر محمد فعلاً منتظر نشسته تا یکی بیاید و کارش را درست کند.

✓ تراکتور برای بازی با سپاهان دروازه بان ذخیره نداشت. صرفه جویی است دیگر. مگر چندبار در تاریخ فوتبال پیش آمده یک گل در جریان بازی تعویض شود؟ اگر دروازه بان اصلی این تیم مصدوم یا اخراج می شد، باید گونی سبیز زمینی یا کیف ساسونوت می گذاشتند داخل دروازه.

✓ استقلال چند بازیکنش را مازاد و قراردادشان را فسخ کرد. نگونام بعداً بشیمان شد و گفت این بازیکنان برگردند و قرارداد بندند. عین این مادرها که یک وسیله اضافه را می گذارند سر کوچه؛ بعد از سه ثانیه بشیمان می شوند و آن را برمی گردانند می اندازند داخل انباری برای روز مبادا.

✓ آرش برائون گفته برد سه بر صفر استقلال در بازی اول مرهون زحمات بدنساز اسپانیایی این تیم است. بدنساز اسپانیایی تنها ۹ روز قبل از این بازی با استقلال قرارداد بسته بود. تنها راهی که این برد می توانست مرهون زحمات بدنساز اسپانیایی باشد این بود که خودش هر سه گل استقلال را می زد.

✓ تیت زده «تار تار» برای استقلال نقشه کشید. خبر را که باز می کنی می بینی نوشته تیم ملوان برای بازی با استقلال تمرین کردند و مهاجم این تیم هنوز مصدوم است و حالا باید دید تار تار از کدام بازیکن در ترکیب استفاده می کند. عکسی هم از تار تار در حال قدم زدن در تمرین منتشر شده. برادر من! کجای این ارزش خبیری دارد؟ چرا بسته اینترنت ما را حرام می کنی؟

✓ گواردیولا برای پرسپولیس نقشه کشید. برای عکس این تیت نام گواردیولا را جست و جو کنید. اگر تصاویر سریال «پدر گواردیولا» را انداز، همان عکس خوراکی این خبر است.

گذری در دنیای علم

آمیرزمین بالا رفته
زمین داغ کرده!

جهانی دیدگ

رادیاتور
زمین!

احتمالاً در این روزهای آخر مرداد، اتومبیل هایی دیده اید که کنار خیابان، از گرما، از حال رفته اند و در اصطلاح، جوش آورده اند؟ قطعه ای که در کاپوت ماشین کم آورده و بقیه ای اجزای اتومبیل را همراهی نکرده، رادیاتور اتومبیل است.

اصلاً تابه حال رادیاتور ماشین را دیده اید؟ مجموعه ای از لوله های آب مشبک که وقتی کاپوت ماشین را بالا می زنید، جلوی موتور اتومبیل قرار دارد و کارش، مبدل حرارتی است که آب داغ را از موتور اتومبیل تحویل می گیرد و طی فعل و انفعالاتی، آب سرد را تحویل موتور می دهد. حالا تصور کنید رادیاتور اتومبیل، کار خودش را انجام ندهد! در این صورت همانطور که گفتیم حتماً یک فاجعه پیش می آید و اتومبیل در اصطلاح، جوش می آورد و دیگر خبری از حرکت اتومبیل نیست!

بد نیست بدانید قصه رادیاتور و خنک کردن آب، تنها به اتومبیل محدود نمی شود. آب اقیانوس های پیوسته ای که زمین هم احتیاج به چیزی مثل رادیاتور دارند؛ احتیاج به جریانی که به گردش و واژگونی نصف النهار اقیانوس اطلس یا MACO معروف است. در این جریان پیچیده، آب های گرم کره زمین در خط استوا از طریق اقیانوس اطلس به قطب ها فرستاده می شود و در آن جا، آب مثل عملکرد رادیاتور ماشین، خنک شده و دوباره به جای اولش بازمی گردد. این عمل، در کاهش دمای آب و هوا، اثری مهم دارد.

اما حالا یک پژوهش علمی، هشدار داده که این سامانه ای گردش آب، احتمال دارد به همین زودی ها از میان برود و متوقف شود. به زبان ساده، دانشمندان پیش بینی کرده اند به همین زودی ها و با افزایش دما و گازهای گلخانه ای، رادیاتور زمین مختل می شود و زمین، جوش می آورد.

پروفیسور «پیترو دیتلوسن» (Peter Ditlevsen) از دانشگاه کپنهاگ دانمارک که این پژوهش را انجام داده، گفته این جریان از سال ۲۰۰۴ تا کنون رو به کاهش است و پیش بینی کرده از سال ۲۰۲۵ تا ۲۰۹۵ به طور کامل از میان می رود.

البته این سامانه به شدت پیچیده است و کارشناسان، تمام دلایل لازم برای پیش بینی توقف گردش واژگونی نصف النهار اقیانوس اطلس را ندارند. بد نیست بدانید آخرین باری که گردش واژگونی نصف النهار اقیانوس اطلس متوقف شد و البته دوباره به جریان افتاد، در عصر یخبندان و حدود ۱۱۵ هزار تا ۱۲ هزار سال پیش بود.

به نظر می رسد برای جلوگیری از این اتفاق، به جای نگران شدن، باید به راه های ساده تری توجه کنیم که کمک می کند تا زمین ما گرم نشود؛ راه هایی مثل جلوگیری از اتلاف انرژی، استفاده کمتر از وسایل خنک کننده و...

در این روزهای گرم تابستان، بازار دنیای علم هم گرم گرم است. انگار دانشمندان هم مثل مولکول های آب گرم، حرکتشان سریع تر شده و ناشناخته های جهان هستی را با سرعت بیش تری به ما می شناسانند. در این شماره از دو چرخه، این سه خبر از دنیای علم، پیش روی شماست.



دندان سخت

شاید تصور کنید سخت ترین عضو بدن انسان، استخوان، ناخن یا مثلاً موی سر مبارک تان است؛ اما سخت در اشتباهی! «مینای دندان»، سخت ترین و با دوام ترین عضو بدن انسان است. این موضوع، علاوه بر این که توجه دندانپزشکان را به خود جلب کرده، مورد توجه باستان شناسان نیز قرار گرفته است. چون در کاوش های باستانی، بسیار پیش می آید که استخوان ها، آن قدر فرسوده اند که امکان تجزیه و تحلیل دی ان ای برای تعیین جنسیت وجود ندارد. در روش نوین، دانشمندان به تجزیه و تحلیل مینای دندان می پردازند و از این راه، جنسیت فرد را تشخیص می دهند.

به طور مثال در اواخر دهه ۹۰ میلادی، گروهی از دانشمندان در انگلستان، بقایای انسانی متعلق به عصر آهن را در یک اتاق دفن سنگی یافتند؛ اما به دلیل فرسوده بودن بیش از حد استخوان ها، تعیین جنسیت آن از طریق دی ان ای امکان پذیر نبود. سر درگمی دانشمندان برای تعیین جنسیت، وقتی بیش تر شد که در کنار جسد، یک شمشیر در غلافی از آلیاژ مس بود که وسیله ای مردانه است؛ اما

در عین حال، یک سنجاق سینه همراه با آینه ای برنزی، در آن جا وجود داشت که از وسایل زنانه آن روزگار بود.

اما حالا گروهی از محققان در دانشگاه «کالیفرنیا دیویس» آمریکا با روش پیچیده ای آنالیز مینای دندان، دریافته اند بقایای انسانی این گور منحصر به فرد، متعلق به یک زن جنگجو است. دکتر «گلندون پارکر»، دانشیار بخش سم شناسی این دانشگاه گفت: «پروتئین موجود در مینای دندان، با کروموزوم ایکس و وی پیوند دارد و ما با تجزیه و تحلیل تکه ای ۱۵۰ گرمی از دندان جسد، به این نتیجه رسیدیم که به احتمال ۹۶ درصد، این فرد یک زن بوده است.»

همین دستاورد، تفکر دانشمندان مربوط به انسان های عصر آهن را تغییر داد. حالا آن ها به این نتیجه رسیده اند که زنان ۲۰۰۰ سال قبل، در جنگ ها و اتفاق های خشونت آمیز نیز مشارکت داشته اند.



بیداد
ستاره های جوان

تلسکوپ فضایی «جیمز وب» که معرفی صورتان است؛ همان تلسکوپ قدرتمندی که ناسا، اداره ی کل ملی هوانوردی و فضایی آمریکا، چندی پیش، تولد یک سالگی اش را جشن گرفت و هر روز، تصاویر حیرت انگیزی جدیدی به زمین ارسال می کند. یکی از آخرین تصاویر این تلسکوپ غول پیکر، تصویری از دو ستاره ی در حال شکل گیری است که در نزدیکی زمین، به فاصله ۱۴۷۰ سال نوری قرار دارند. نکته ای که توجه دانشمندان را به خود جلب کرده، بر رسی نحوه شکل گیری این دو ستاره جوان است؛ دانشمندان می گویند این دو ستاره که نام هر یک - هارو ۴۷/۴۶ (Herbig-Haro 47/46) را هم بر آن نهاده اند، تنها چند هزار سال قدمت دارند و بلوغ کامل آن ها، میلیون ها سال طول خواهد کشید که بر رسی این تکامل، اسرار حیرت انگیزی را از کهکشان ها روشن می کند.

نگاه

ابتدا سر فرصت، شعری نوجوان پسند با دغدغهای محیط زیستی را از شاعر نام آشنای حوزه ی نوجوان، «عباسعلی سپاهی یونسی» بخوانید تا کمی درباره ی آن با هم گپ بزنیم:

برای آخرین خرسی که نادانی ما اورا کشت

تو داشتی آرام می رفتی
شاید گرسنه بودی آن ساعت
ماشه چکید و بعد افتادی
خط خوردی از دنیای ما راحت



آرام نالیدی و جان دادی
نالیدنت از عمق جانت بود
تصویر مردی با سلاح خود
در چشم های مهربانت بود



تو قسمتی از این وطن بودی
افسوس مرگ از قلب تو رد شد
شلیک شد نادانی ما باز
افتادی و ای وای من، بد شد



انسان چه می خواهد از این دنیا
از این همه کشتن چه می گیرد
ای کاش می فهمید دنیا پیش
بی خرس و ببر و شیر می میرد

مشق شب!

به مصراع آخر بند اول توجهی بیش تر کنید: **مفهوم مستقیم**: مرگ یک خرس؛ **مفهوم غیر مستقیم**: خط خوردی از دنیای ما راحت. یا در بند سوم، ببینید شاعر چگونه هنرمندانه و خیال انگیز، به موضوع غفلت ما نسبت به حیوانات اطرافمان اشاره کرده: **مفهوم مستقیم**: ظلم انسان به دیگر موجودات، آن هم از سر ناآگاهی. **مفهوم غیر مستقیم**: شلیک شدن نادانی ما باز... در واقع شاعر تلاش می کند به جای آن که مستقیم گویی کند، ما را به فکر وادار تا همان مفهوم مستقیم را در قالب یک تعبیر غیر مستقیم، بشنویم، درباره اش فکر کنیم و خودمان معنای شعر را کشف کنیم. بقیه ی مفاهیم غیر مستقیم این شعر، به عهده ی خودتان؛ این هم مشق امشب!



حتی نثرش را هم، آهنگین یا همان مسجع گفته
تاخدای نکرده به کسی پرنخوردا!
نوجوان های این روزها هم عاشق
شعرند؛ به خصوص اگر امروزی و مدرن
باشند. در این شماره از دوچرخه،
می خواهیم کمی از شعر بگوییم، آن هم
از نوع باکلاسش! تا بدانیم کدام شعرها
ارزش خواندن دارند و کدام نه!

در سرزمین ما، شعر و شاعری از دیرباز زیر مخاطب بوده است؛ آن قدر که بسیاری از اندیشمندان ایرانی، برای بیان افکار و اندیشه هایشان، دست به دامن شعر می شدند. نمونه اش، فردوسی و مولوی خودمان که حتی برای داستان سرایی های حکمت آمیز و عرفانی خود، به جای نثر، پا در دنیای شعر گذاشتند تا مخاطبان خود را راضی نگه دارند.
حتی سعدی شیرین سخن و شجاع هم، در گلستانش، هر حکایت را با تدابیر نثر گفته و برای این که مخاطبانش را از دست ندهد، بخشی از حکمت آن قصه را به نظم سرود.



چرخه در دنیای شعر

چو ایران نباشد تن من مباد!

سیدسروش طباطبایی پور / روزنامه نگار

شعر چیست؟ این سؤالی ساده است که به این راحتی ها نمی توان به آن پاسخ داد. شاید به تعداد شاعران جهان، تعریف از شعر وجود دارد. تعریف استاد شفیع کدکنی، شاید یکی از بهترین ها باشد: «شعر، گره خوردن عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است». بوعلی سینا هم شعر را سخنی خیال انگیز دانسته است و ملک الشعراء بهار گفته: «هر شعری که شما را تکان ندهد، به آن گوش ندهید. هر شعری که شما را نخنداند و یا به گریه نیندازد، آن را دور بیندازید و...» همان طور که می بینید، وزن، قافیه، ریتم و... جای

چندانی در تعریف جدید شعر ندارند و شاید به همین دلیل است که ما شعر نوراهم که چندان وزن و قافیه ندارد، شعر تصور می کنیم. اما دو عنصری که در شعر، بسیار تعیین کننده است، داشتن «مفهوم» و «خیال انگیز بودن» است.
مفهوم داشتن یا نداشتن یک شعر یا ترانه که گردن خودتان! لااقل موضوعی که ملک الشعراء بهار طرح کرده، می تواند معیار خوبی برای تشخیص مفهوم شعر باشد. اما عنصر مشترکی که در تعریف بوعلی سینا و شفیع آمده، **عنصر خیال** است.

شعر چیست؟

خیال

هم دارد. به زبان ساده تر، یعنی کسی که چند سال، وردست استاد حمید یا استاد مجید مکانیک، کار کرده باشد، توانایی تعمیر اتومبیل را خواهد داشت. «خب این که بدیهی است. پس فردوسی، مستقیم گویی کرده و فقط با کنار هم قرار دادن چند کلمه ی موزون، مفهومی مستقیم را به ما منتقل کرده و ما را برای درک سخنش، به فکر کردن و کشف معنا، وادار نکرده است. البته در بسیاری از اشعار فردوسی، عنصر خیال، فوران می کند. مثلاً آن جایی که شاعر می گوید: «چو ایران نباشد تن من مباد» خیال، بیداد می کند. در این مصراع، شاعر به جای این که نگاهش را نسبت به وطنش، مستقیم بیان کند و بگوید، من سرزمینم را دوست دارم و برایش فداکاری می کنم، به شکلی خیال انگیز و غیر مستقیم می گوید: تن من مباد!

خیال، اصلی ترین عنصر و معیاری برای ارزش هنری شعر است. شاید بتوان خیال را با غیر مستقیم گویی، برابر دانست. یعنی شاعر، حرفش را با استفاده از تخیلش، به گونه ای بگوید که مخاطب، خودش مفاهیم و معانی خیال انگیز شعر را کشف کند.
«توانا بود هر که دانا بود»؛ این یکی از مشهورترین تک مصرع های زبان فارسی است که فردوسی بزرگ آن را سروده است؛ اما با توجه به عنصر خیال، با همه ی احترامی که برای فردوسی جان قائلیم، این مصرع فردوسی را بهتر است شعر ندانیم! چون شرط مهم شعر را ندارد؛ یعنی خیال انگیز بودن! فردوسی، مستقیم تر از این نمی توانست حرفش را بزند: «هر کسی که در زمینه ای، علم و آگاهی دارد، در آن زمینه توانایی

درکلاس‌های تابستانی

سیدسروش طباطبایی پور / روزنامه‌نگار

۱. حتی در آخرین روزهای گرم مرداد هم بازار کلاس‌های تابستانی گرم گرم است.



۲. اما بررسی دانشمندان حوزه‌ی تعلیم و تربیت نشان داده حتی حافظ و سعدی هم تابستان‌ها تعطیل بودند و مدرسه نمی‌رفتند؛ چه رسد به ما!

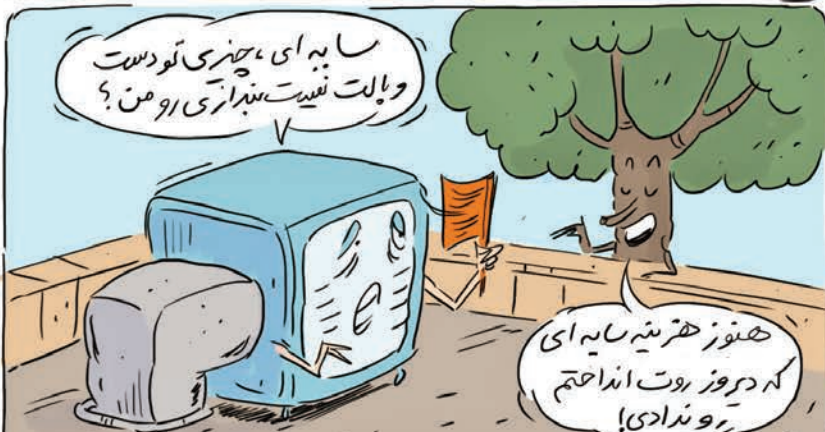


۴. اصلاً چه کسی گفته آبیاری قطره‌ای، تنها برای گیاهان مفید است؟



۳. قبول! مدرسه، تابستان و زمستان ندارد و آتش کشک خاله است؛ اما مدیران مدارس، برای خنک کردن فضای کلاس‌های تابستانی، باید فکر بکری کنند؛ مثلاً معلم‌های بیخ و بی‌مزه‌ی خود را سر کلاس‌های تابستانی بفرستند!

۵. پیشنهاد آخر، تغییر درس‌های ارائه‌شده در کلاس‌های تابستانی است. چون برخی درس‌ها، مثل ریاضی و فیزیک، دمای میخ مبارک بچه‌ها را بالا می‌برند و برخی درس‌ها، میخ‌ها را به پرواز درمی‌آورند و آن‌ها را خنک می‌کنند.



۶. راستی! چرا ناظم‌ها، تنها به فکر جابه‌جا کردن بچه‌ها از روی صندلی‌های کلاس هستند؟ گاهی جابه‌جایی کولر آفتاب‌خوردی مدرسه هم راهگشاست.

همیشه‌ای

گروه ضمانت همشهری ناشر نشریات دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد، تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها، سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرنخ و محله نشانی: تهران، خیابان ولی عصر نرسیده به پارکوی، کوچه شهید قریشی شماره ۱۴، روزنامه همشهری

پست الکترونیکی:
docharkkeh1402@gmail.com
تلفن: ۰۲۳۶۷۴-۲۳۰
دوچرخه در پیام‌رسان‌های داخلی:
@docharkhe_hamshahry

واحدفنی:

مدیر فنی: حامد بزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه‌آرایی: سعید غفوری
ویرایش عکس: کامبیز نویدی
حروفچینی و تصحیح: همکاران فنی تحریریه روزنامه همشهری

صندوق پستی دوچرخه:
۱۹۳۹۵-۵۴۴۶
چاپ: همشهری
پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار
معاون ضمانت: حامد فوقانی
دبیر دوچرخه: محدث تک‌فلاح
دبیر اجرایی: مجتبی یارزمان
تحریریه: شهره کیانوش‌راد
مژگان مهرابی و سیدسروش طباطبایی پور



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری
ویژه نوجوانان
سال بیست و دوم، شماره ۱۰۸۹
چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲